

امروز ۱۰۰۰ ضد انقلاب اعدام شدند: روزنامه های سال ۱۳۶۰
دهها هزاران نفر از زندانیان سیاسی کشتار شدند: اخبار برخی خبرگزاریها ۱۳۶۷
بیش از ۲۰۰ نفر در خارج و داخل ترور شدند: دهه ۷۰
دهها تن در جریان جنبش اعتراضی کشته شدند: ۱۳۸۸
جعفر کاظمی، محمدعلی حاج آقایی اعدام شدند: دوشنبه ۴ بهمن ۱۳۸۹
اعدام شدند..... اعدام میشوند.....و اعدام خواهند شد.....

متجاوز از سه دهه است که تیرهای نظیر این به جز لاینفک زندگی ما تبدیل شده است. شکست جنبش کارگران و زحمتکشان در سال ۵۷ و تجدید سازمان بورژوا-امپریالیستی صفوف طبقات حاکمه و متمرکز ساختن ماشین دولتی جهت به عقب راندن صفوف انقلاب، سرکوب و کشتار عنان گسیخته را به مانیفست حیات بورژوازی مبدل نمود. این مانیفست در بارگاه الهی به شکل "النصر بالرب" تدوین و تبیین گردید. خدای سرمایه در برقراری و تحمیل نظم بورژوازی و تضمین منافع ارتجاع و امپریالیسم مقدم و قبل از هر چیز اعتصاب را محاربه با خدا اعلام کرد و از کارگران خواستند که صبور بوده و بیشتر کار کنند. متعاقب این تهاجم به جنبش کارگری؛ ارتجاع حاکم تالانگری قرون وسطائی را بر علیه صفوف انقلاب از همان بدو قدرت گیریشان با فرمان چکمه پوشیدن به ماشین نظامی اش بر علیه کردستان آغاز نمود، به روی تظاهرات کارگران بیکار آتش گشود و ناصر توفیقیان و حجت خوش کفا را بخاک افکند، با شعار "یا روسری یا تو سری" به مقابله با جنبش زنان برخاستند، با بر پائی "انقلاب فرهنگی" به سرکوب جنبش دانشجویی پرداختند و با شعار "حزب فقط حزب الله" هرگونه تحرک سیاسی-اجتماعی را مورد یورش قرار دادند. سیاست تحمیل نظم بورژوا-امپریالیستی بر زندگی اجتماعی با کشتارهای بی رویه آغاز گردید و بالاخره با قتل عام ۶۷ تداوم یافت. جامعه بایستی به جانی رانده میشد که به تن خدای رو به موت سرمایه خون تازه تزریق مینمود. قانون "دار" به قانون زندگی مبدل گردید. در جریان یک جنگ نابرابر که بیش از سه دهه در جریان است، ارتجاع بورژوازی از هیچگونه ددمنشی اجتناب ننموده است.

تمامی اخبار موید آن است که باز هم پیکر به رعشه افتاده سرمایه نیازمند خون بیشتری است. بورژوازی جهت برقراری تعادل از دست رفته و نجات سیستم بحران زده اش، تمامی هستی کارگران و زحمتکشان را مورد تهاجم همه جانبه قرار داده است. آنان این تهاجم را تحت عنوان هدفمند کردن یارانه ها به پیش میبرند و جهت مرعوب ساختن صفوف انقلاب به تشدید سیاست "دار" بنحوی دیوانه وار روی آور گردیده اند. آنان میدانند که برای تحمیل شرایط و نظم چپاول باید هرگونه تحرک و تمایل به آزادی را به خاک و خون کشید. آنان میخواهند آزادی را به دار بکشند. اینجا میدان جنگ اختناق و آزادی است! این نه تمایل این شخص و آن شخص بلکه مانیفست بورژوازی بحران زده است. بحران سیاسی-اقتصادی بورژوازی، ارتجاع حاکم را بدانجا کشانده که تنها با اثبات لیاقتشان در سرکوب درخواستهای سیاسی و اجتماعی و تحمیل نظم غارت و چپاول است که میتوانند از بارگاه بورژوازی امپریالیستی تضمین موجودیتشان را در مقابله با سایر آلترناتیوهای بورژوا-امپریالیستی دریافت دارند. این کشتارها قانون اساسی بورژوازی رو به مرگ است. سرمایه در وحشت از نابودی به دامان قرون وسطائی ترین نظامات پناه برده است. برای مقابله با این اوضاع بایستی پرچم آزادی، پرچم دموکراسی انقلابی از نوع دموکراسی پرولتری را برافراشت و صفوف انقلاب را به نبردی قهرآمیز فراخواند. کشتار و سرکوب پرچم جهان بورژوازی رو به مرگ و آزادی و حاکمیت شوراهای مسلح کارگران و زحمتکشان پرچم اردوگاه انقلاب است. باید برای برقراری آزادی و نابودی ماشین دولتی-نظامی بورژوازی علیه ارتجاع حاکم و بورژوازی امپریالیستی و تمامی آلترناتیوهای بورژوا-امپریالیستی، نبردی همه جانبه را به پیش برد. یا سیاست "دار" ها موفق به تحمیل نظم چپاول و غارت و اختناق خواهد شد و یا ما قانون آزادی آنها از نوع دموکراسی پرولتری را برقرار خواهیم ساخت. پیروزی با انقلاب است.

سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر - ۵ بهمن ماه ۱۳۸۹